

بازنمایی زنان در ضرب‌المثل‌های گیلکی (گونه اشکورات)

منصور شعبانی*^۱ محمدامین صراحی^۲

(تاریخ دریافت: ۹۴/۷/۲۴، تاریخ پذیرش: ۹۴/۹/۱۴)

چکیده

ضرب‌المثل‌ها آینه فرهنگ هر جامعه هستند؛ از این‌رو، با بررسی آن‌ها می‌توان به درک بهتری از باورها و نگرش‌های گویشوران هر جامعه نسبت به زن و ارزش‌های اجتماعی-فرهنگی مردم هر منطقه دست یافت. هدف از انجام این پژوهش، توصیف و تحلیل بازنمایی زنان در ضرب‌المثل‌های گیلکی (گونه اشکورات) است. داده‌های این پژوهش از طریق مصاحبه ساخت‌یافته با شصت نفر از گویشوران اصیل گیلکی زبان اشکورات (اعم از زن و مرد)- که بیش از ۴۵ سال سن داشتند و چندان متأثر از زبان فارسی معیار نبودند- گردآوری شد. از آنجا که روش انجام این تحقیق توصیفی-تحلیلی است، ضرب‌المثل‌های گردآوری‌شده درباره زنان، نخست از نظر معنایی تقسیم‌بندی و توصیف و سپس به هجده مقوله تقسیم‌بندی شدند. این مقوله‌ها نشان می‌دهند که سه نوع تصویر یا بازنمایی از زنان در مثل‌ها وجود دارد که به ترتیب فراوانی عبارت‌اند از: الف) بازنمایی منفی، ب) بازنمایی

۱. استادیار زبان‌شناسی همگانی دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول)

* shabani225@yahoo.com

۲. استادیار زبان‌شناسی همگانی دانشگاه گیلان

مثبت، ج) بازنمایی خنثی. توزیع این بازنمایی‌ها در چارچوب گفتمان انتقادی و مطالعات فمینیستی تحلیل شد. از یافته‌های مهم پژوهش حاضر این است که در جامعه گیلکی زبان منطقه اشکورات مفهوم جنسیت به عنوان ساختاری ایدئولوژیک درک می‌شود. بر اساس رابطه سلسله‌مراتبی برتری و فرودستی، طبقه اجتماعی زنان فرودست شمرده می‌شود و زنان به عنوان اعضای طبقه اجتماعی فرودست بدون مزیت خاص و بیشتر نادیده گرفته می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: ضرب‌المثل، زبان گیلکی، تحلیل گفتمان انتقادی، جنسیت، ساختار ایدئولوژیک.

۱. مقدمه

مثل‌ها که آینه فرهنگ و بخشی از زبان و ادبیات هر جامعه هستند، به عبارات یا جملاتی گفته می‌شود که واقعیتی کلی یا تجربه را بیان می‌کنند (اناجی^۱، ۲۰۰۸)؛ زیرا اندیشه‌ها، سنت‌ها، رسوم، باورها، ارزش‌ها و عادات‌های مردم هر جامعه در آن‌ها تبلور یافته است. از این رو، بسیاری بر این باورند که با مطالعه ضرب‌المثل‌ها می‌توان به باورهای فرهنگی و ارزش‌های اجتماعی مردم جامعه دست یافت. به بیانی دیگر، برای شناخت فرهنگ و زبان هر سرزمین بررسی مثل‌ها ضروری به نظر می‌رسد. این بررسی هم به شناخت بهتر زبان کمک می‌کند، هم در درک بهتر شیوه تفکر و خصلت گویشوران هر زبان مؤثر است.

مسئله جنسیت همواره در حوزه‌هایی مانند جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی زبان، روان‌شناسی اجتماعی، ادبیات، علوم تربیتی و غیره اهمیت دارد. به عقیده کورنوال و لیندسفارن (۱۹۹۵) اگرچه ایدئولوژی جنسیت واقعیت مهمی از حیات است؛ اما شیوه تبلور آن در فرهنگ‌های گوناگون یکسان نیست. در جوامع و فرهنگ‌های مختلف، مثل‌های متعلق به زنان در بیشتر موارد انتقادی و تند و تیز هستند و بر ویژگی‌های منفی زنان تأکید دارند (جایاواردنا^۲، ۲۰۱۴). همانند بسیاری از زبان‌ها و گویش‌ها، در زبان گیلکی نیز مثل‌هایی درباره زنان وجود دارد. هدف از انجام این مقاله بررسی تصویر زن در مثل‌های گیلکی است. از آنجاکه مثل‌ها آینه فرهنگ هر جامعه هستند، پس با کنکاش علمی در مثل‌های گیلکی می‌توانیم به درک بهتری از زبان گیلکی (گونه اشکورات)،

بازنمایی زنان در ضرب‌المثل‌های گیلکی _____ منصور شعبانی و همکار

باورها و نگرش‌های گویشوران آن نسبت به زن و ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی دست یابیم. در حقیقت، از این طریق می‌توان به جایگاه و شأن زن در جامعه اشکورات دست یافت.

دبیرمقدم (۱۳۹۲) در بخش مقدمه کتاب خود با عنوان *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*، زبان گیلکی را - که به گروه زبان‌های شمال غربی تعلق دارد - جزو زبان‌های ایران دانسته است نه گویش‌ها. نگارندگان نیز بر این باورند که گیلکی یکی از زبان‌های محلی ایران است و گونه‌های متعددی دارد. میان این گونه‌ها تفاوت‌های آوایی، واژگانی، دستوری، معنایی و کاربردشناختی وجود دارد. از این‌رو، در پژوهش‌های زبان‌شناسی باید گونه‌ای که تحقیق بر روی آن انجام می‌شود، دقیقاً تعیین شود؛ زیرا به احتمال فراوان در گونه‌های مختلف نتایج متفاوتی حاصل خواهد شد و نمی‌توان آن‌ها را به دیگر گونه‌های همان زبان محلی تعمیم داد.

در تحقیق حاضر، مثل‌هایی مناطق گیلکی زبان اشکورات از جمله برخی از دهستان‌های شهرستان رودسر و املش - که تصویری از زن ارائه می‌دهند - بررسی شده است. گفتنی است در این تحقیق، تعبیر کلی اصطلاح ضرب‌المثل مدنظر است، به گونه‌ای که کلیشه‌ها، اصطلاحات، گفته‌ها و سخنان مشهور و حکیمانه را نیز شامل می‌شود. پرسش اصلی مقاله حاضر این است که در مثل‌های زبان گیلکی (گونه اشکورات) زنان چگونه بازنمایی می‌شوند و چه تحلیلی می‌توان از آنان به دست داد.

فرضیه اصلی پژوهش این است که زبان گیلکی (گونه اشکورات) زبانی جنسیت‌گراست و در مثل‌های آن زنان بیشتر به صورت منفی بازنمایی می‌شوند. بر اساس رابطه سلسله‌مراتبی برتری و فرودستی، زنان در طبقه اجتماعی فرودست قرار دارند و به عنوان اعضای یک گروه اجتماعی برتری خاص ندارند و تقریباً نادیده گرفته می‌شوند. برای تأیید یا رد این فرضیه، نخست در بخش ۲، مطالعات مرتبطی که در زبان‌های دیگر انجام شده است، مرور می‌شوند. پس از آن، در بخش ۳ به روش تحقیق مقاله حاضر (شرکت‌کنندگان، شیوه گردآوری داده‌ها، شیوه توصیف و تحلیل داده‌ها) پرداخته می‌شود. در بخش ۴ ضرب‌المثل‌های گیلکی مربوط به زنان از نظر معنایی

تقسیم‌بندی و توصیف می‌شوند. بخش پایانی این مقاله نیز به تحلیل نتایج حاصل از توصیف داده‌ها اختصاص دارد.

۲. مروری بر مطالعات انجام‌شده

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، در هر زبان و فرهنگی ضرب‌المثل‌هایی وجود دارد که به ویژگی‌های مختلف زنان اختصاص دارد. از این‌رو، در برخی از زبان‌ها پژوهش‌هایی در رابطه با تصویر زنان در مثل‌ها صورت گرفته است. برای نمونه، در زبان فارسی و دیگر زبان‌های ایرانی تحقیقات ارزشمندی انجام شده است که از آن جمله می‌توان به پژوهش‌های ذوالفقاری (۱۳۸۸) اشاره کرد. وی ضرب‌المثل‌های فارسی را در دو سطح واژگانی و نحوی بررسی و در سطح واژگان، آن‌ها را از نظر میزان کاربرد واژگان بیگانه، عامه و شکسته با تکیه بر نمونه‌گیری از کتاب‌های امثال معروف، بررسی کرده است. ذوالفقاری در سطح نحوی نیز براساس روابط میان اجزای کلام و ساختمان جمله مثل‌های پژوهش را مطالعه کرده و نتایج این تحقیق را به صورت آماری با نشان دادن فراوانی هریک از موارد ارائه کرده است.

محمدپور، کریمی و معروف‌پور (۱۳۹۱) بازنمایی زن را در ضرب‌المثل‌های کردی سورانی بررسی کرده‌اند. آن‌ها برای واکاوی محتوایی و مفهومی، مثل‌های کردی مورد مطالعه را به مقوله‌های عمده‌ای تقسیم کرده و سعی کرده‌اند در بخش نتیجه‌گیری، الگوی موضوعی را در قالب یک مدل صوری ترسیم و تفسیر کنند.

موحد و دیگران (۱۳۹۱) نیز با جمع‌آوری بسیاری از مثل‌های متعلق به زنان در شهرستان لامرد، نشان داده‌اند که در این جامعه هیچ‌گونه نقش اجتماعی و یا حرفه‌ای به جز همسر و مادر بودن برای زنان در نظر گرفته نمی‌شود.

در زبان‌های غیرایرانی ازجمله زبان‌های ژاپنی (استورم، ۱۹۹۲)، ایگبویی^۴ (اوها، ۱۹۹۸)، عربی مراکشی^۵ و بربر^۶ (اناجی، ۲۰۰۸)، حبشی^۸، سوندایی^۹ و کنیایی^{۱۰} (حسین، ۲۰۰۹)، سینهالی^{۱۱} و فرانسوی (جایاواردنا، ۲۰۱۴)، چینی (لی^{۱۲}، ۲۰۱۵)، زبان‌های آفریقایی (حسین، ۲۰۰۵)، مالزیایی^{۱۳} (همدان و رادزی^{۱۴}، ۲۰۱۴)، ترکی^{۱۵} (برون، ۲۰۰۱)، روسی (کرلینا^{۱۶}، ۱۹۹۹)، به نقل از دولسکال و اشمید^{۱۷}، ۲۰۰۱، مراکشی (بلفاتمی^{۱۸}، ۲۰۱۳)، اکان^{۱۹}

بازنمایی زنان در ضرب‌المثل‌های گیلکی _____ منصور شعبانی و همکار

(دیاباح و آفون^{۲۰}، ۲۰۱۴)، انگلیسی و یوروبای^{۲۱} (یوسف، ۱۹۹۸) نیز تصویر زن در مثل‌ها بررسی شده است.

شیپر^{۲۲} (۲۰۱۰) نیز تصویر زن را در مثل‌های زبان‌های مختلف بررسی کرده است. در این پژوهش‌ها، مثل‌ها بر اساس محتوا تقسیم‌بندی شده‌اند و درباره معانی آن‌ها با توجه به عوامل فرهنگی و اجتماعی بحث شده است. نتایج این پژوهش‌ها به طور کلی نشان می‌دهد که در ضرب‌المثل‌ها بیشتر ویژگی‌های منفی زنان بازنمایی شده است و تعداد مثل‌هایی که نگرش مثبتی را نسبت به زنان القا می‌کنند، بسیار اندک است. با وجود اینکه زنان در عرصه‌های مختلف حضوری فعالانه و نقشی مثبت و اساسی داشته‌اند؛ اما فرهنگ‌ها و جوامع گوناگون این حضور و نقش را نادیده گرفته‌اند یا به دیده منفی به آن‌ها نگریسته‌اند. به بیانی دیگر، نقش‌های مثبت زنان بی‌اجرومزد، بدون ارزش و بی‌اهمیت شمرده شده است. این نوع تصاویر زنان در مثل‌ها، نشان می‌دهد که زنان در قیدوبند و تحمیل بوده‌اند و با آن‌ها بدرفتاری می‌شده است. در برخی از این پژوهش‌ها اشاره شده است که زنان در مقایسه با مردانی که در همان موقعیت‌های اجتماعی قرار دارند، رتبه، شأن و منزلت اجتماعی پایین‌تری دارند. به عقیده جامعه‌شناسان فمینیست، خدمات زنان به سبب عملکرد ایدئولوژی جنسی نادیده گرفته می‌شود (ریترز، ۱۳۸۴: ۵۲۴).

همچنین، با مروری بر مطالعات انجام‌شده به این نکته پی می‌بریم که اگرچه همپوشی‌های فراوانی بین ضرب‌المثل‌های زنان در زبان‌های مختلف مشاهده می‌شود؛ اما تنها با یک چارچوب و تقسیم‌بندی معنایی نمی‌توان ضرب‌المثل‌های مختص زنان را در تمام زبان‌ها توصیف کرد. ضرب‌المثل‌های هر زبانی نیازمند تقسیم‌بندی معنایی متفاوتی است. در زبان گیلکی، مطالعات بسیار اندکی درباره مثل‌ها- در حد برگردان مثل‌ها به فارسی- انجام شده است. تاکنون هیچ پژوهش مستقلی به توصیف و تحلیل مثل‌های زنان در زبان گیلکی نپرداخته است.

۳. روش تحقیق

روش انجام این پژوهش پیمایشی و از نوع توصیفی- تحلیلی است و برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیلی موضوعی استفاده شده است. این روش در مطالعات مردم‌نگاری

یکی از پرستفاده‌ترین روش‌های تحقیق است. در این شیوه تحلیل، سعی می‌شود تا بر اساس طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون‌داده‌ای و برون‌داده‌ای به درکی تحلیلی دست یافت.

برای جمع‌آوری داده‌های این تحقیق، شصت نفر از گویشوران گیلکی‌زبان اشکورات که بی‌سواد بودند و یا تحصیلات ابتدایی پایینی داشتند، برای حجم نمونه تحقیق انتخاب شدند. سی نفر از این افراد زن و سی نفر مرد بودند و همه آن‌ها بیش از ۴۵ سال سن داشتند. علت انتخاب این دسته از افراد این بود که آن‌ها نمایندگان واقعی گیلکی اشکورات هستند؛ زیرا متأثر از زبان فارسی معیار نیستند و همچنین تک‌زبان هستند و تنها به گیلکی اشکورات اصیل گفت‌وگو می‌کنند. گردآوری داده‌ها از گویشورانی که سواد کافی ندارند، سختی‌های خاصی را به همراه دارد؛ زیرا نمی‌توان از هر نوع روش میدانی بهره گرفت. برای گردآوری داده‌های این تحقیق از روش مصاحبه ساخت‌یافته استفاده شد؛ بدین صورت که نخست، محققان موقعیت‌ها و واژگان حوزه‌های مختلف را برای شرکت‌کنندگان تشریح کردند و سپس از آن‌ها خواسته شد مثل‌ها، کلیشه‌ها، اصطلاحات، گفته‌ها و سخنان مشهور و حکیمانه‌ای را که در این حوزه‌ها کاربرد دارد و گویشوران از آن‌ها در تعاملات خود بهره می‌گیرند، مطرح کنند. گفتنی است برای طرح موارد خواسته‌شده، هیچ‌گونه محدودیت زمانی برای گویشوران وجود نداشت.

در مرحله بعد، تمام مثل‌های جمع‌آوری شده تقسیم‌بندی معنایی شدند و محتوا و معانی آن‌ها با توجه به عوامل گوناگون فرهنگی و اجتماعی بررسی شد. همان‌گونه که در بخش پیشین گفته شد، توصیف مثل‌های هر زبانی، نیازمند چارچوب و تقسیم‌بندی معنایی نسبتاً متفاوتی است. در نهایت، تحلیلی از این مثل‌ها به دست داده شد که نمایانگر باورها و نگرش‌های گویشوران اشکورات نسبت به جایگاه، شأن و منزلت زن در جامعه آن‌هاست.

۴. تقسیم‌بندی معنایی و توصیف مثل‌های گیلکی درباره زنان

در این بخش، مثل‌های گیلکی بر اساس معنا و مفهوم تقسیم‌بندی می‌شوند و در هجده مقوله جای می‌گیرند. در این راستا، شیوه‌های گوناگون بازنمایی زنان بحث و توصیف

بازنمایی زنان در ضرب‌المثل‌های گیلکی _____ منصور شعبانی و همکار

می‌شود. از این طریق، می‌توان به درک و شناخت مناسبی از رویکرد جامعه‌اشکورات نسبت به جایگاه و منزلت زنان دست یافت. تقسیم‌بندی معنایی و توصیف مثل‌ها در این بخش درون‌دادی خواهد بود. در بخش بعدی به تحلیل بازنمایی زنان پرداخته می‌شود. گفتنی است تعداد اندکی از مثل‌ها به دلیل تنوع معنایی در دو مقوله جای گرفته‌اند.

۱-۴. تصویر مثبت زنان در ضرب‌المثل‌ها

الف) ارزش و منزلت زنان

1. xaxur tu qajde unər tʃaʃo bazakuni!

برگردان: خواهر! از تو انتظار نمی‌رفت برای او چادرشب باز کنی (تحویش بگیر/ محل بذاری).

2. zən-ə xub ra ki darəd ʔdəm-ə nəŋg²³.

برگردان: زن خوب را کی دارد؟ آدم ننگ (زن خوب نصیب آدم بد می‌شود).

3. məgər ʔi laku/ zən ti ʔaqe məsəpələ hisə zəjad bəjari?

برگردان: مگر این دختر یا زن ماست پلوی بابای تو هست که دیگر او را نخواهی!

4. laku nəje je pəllə lirə.

برگردان: دختر نگو، یک پله لیره (به دختر باکمالات گفته می‌شود).

5. ʔun laku nəje je xonəʔaʃərʔi.

برگردان: دختر نگو، یک خونه اشرفی^{۲۴} (به دختر باکمالات گفته می‌شود).

6. ʔun ʃirzənak-ə.

برگردان: او شیرزن است.

7. ʔi zənəkə/ laku har ʔangyʃt-ə dʒi hizat tə hunər varə.

برگردان: از هر انگشت این دختر یا زن هزار هنر می‌بارد.

8. ʔi laku roxonəʔav hade be behtər bu taʔinə bədabe.

برگردان: این دختر رو داخل رودخانه می‌انداختی بهتر بود تا به این (مرد) می‌دادیش (حرومش کردی).

ب) ارجحیت فرزند دختر بر پسر

9. kəsi kə laku nədaʃtəbon murdəsir-ə.

برگردان: کسی که دختر نداشته باشد، اجاقش کور است.

10. laku ta su ruz bədari de xor-ə darə.

برگردان: از فرزند دختر کافی است تا سه روز نگهداری کنی، بعدش خودش از پسِ کارهاش برمی آید.

ج) به تصویر کشیدن زیبایی و جذابیت زنان

11. ?inə xudi mah-əʃəv-ə tʃardə.

برگردان: انگار ماه شب چهارده است.

12. matifkə monə.

برگردان: شبیه ماتیشکا^{۲۵} است (به زن زیبارو گفته می شود).

د) نقش عاطفی و حمایتی زنان

13. zən bəlast xudaja hitʃ xonəʔi bibəla nəbaʃəd.

برگردان: زن بلاست، خدایا هیچ خانه ای بی بلا نباشد.

14. bujə mādər behtər-ə təʃir-ə dajə.

برگردان: بوی مادر بهتر از شیر دایه است.

15. per-ə mar mivə kəmpejdə hisən.

برگردان: پدر و مادر میوه کم پیدا هستند.

16. jə nəfər-ə zən mirə kə zənxəxur nədaʃtə bon.

برگردان: زن آدمی می میره که خواهر زن نداشته باشد^{۲۶} (پشتیبان نداشته باشد).

17. nənə nəjəse perzən-ə həmrə ba satən.

برگردان: وقتی مادر نیست باید با زن بابا کنار آمد.

18. xaldʒene xonə nəjə de.

برگردان: خانه خاله که نیست.

19. ?in kələntərzənak-ə.

برگردان: این زن مثل کلانتر است (همه فن حریف است).

۲-۴. تصویر خنثای زنان در ضرب المثل ها

الف) تأکید بر جدایی قلمرو محیطی و اجتماعی زنان و مردان

20. tu mægər majnə nəji?

برگردان: تو مگر ماده (جنس مؤنث) نیستی؟

بازنمایی زنان در ضرب‌المثل‌های گیلکی _____ منصور شعبانی و همکار

21. laku laku dʒa vətʃə vətʃə dʒa, laku buxorə kərk-ə səbədʒ-ə vətəʃ buxorə bazar-ə kiʃmiʃ-ə.

برگردان: دختر باید در جای دخترها باشد، پسر هم در جای پسرها. دختر بخوره شبش مرغ و پسر کشمش بازار رو.^{۲۷}

(ب) اهمیت ازدواج برای زنان

22. xaxurəkə mærd-ə havas gut bərar tu xa zən noburi?

برگردان: خواهر دلش شوهر می‌خواست به بردارش می‌گفت: تو نمی‌خواهی زن بگیری؟

(ج) قدرت تأثیر زن بر دیگر اعضای خانواده

23. kərbas mixahi dərəʃ-ə nəgah kon duxtər mixahi mādərʃ-ə nəgah kon.

برگردان: پارچه دستباف می‌خواهی به دورش نگاه کن، دختر می‌خواهی به مادرش نگاه کن.

24. zən-ə xub mærd-ə tadʒ bə sər kunəd zən-ə bəd mærd-ə xak bər sər kunəd.

برگردان: زن خوب مرد را تاج‌به‌سر می‌کند، زن بد مرد را خاک بر سر می‌کند.

25. ʃumar-ə zəjad-ə gəl-əʔarus tʃakunən.

برگردان: از گِلِ اضافه مادرشوهر عروس را خلق می‌کنند (عروس شبیه مادرشوهرش می‌شود).

۳-۴. تصویر منفی زنان در ضرب‌المثل‌ها

(الف) گره‌زدن ارزش زن با مسائل مادی

26. qatuk bipəjaz xub nəje laku bidʒəhaz xub nəje.

برگردان: خورشت بدون پیاز خوب نیست، دختر بدون جهیزیه خوب نیست.

27. ʔarus-ə bidʒəhaz bobe.

برگردان: انگار عروس بی‌جهیزیه شده است.

28. xəjli dʒəhaz-ə xubi bəjardi runəma həm xani?

برگردان: خیلی جهیزیه خوبی آوردی، رونما هم می‌خواهی؟

این مثل در توصیف موقعیتی گفته می‌شود که فردی کار خوبی نکرده است و انتظار تمجید هم دارد.

(ب) ترغیب مردان به کنترل کردن زنان و تسلط داشتن بر آنان

29. pəsər-ə toər ʔagər dumə daʃti ʔarus bedi xo ʔabro tʃakonə həft-ə həʃti.

برگردان: تیرِ پسر اگر دسته داشت، مگر عروس می‌توانست ابروی خودش را به صورت هشتی (کمانی) درست کند؟

30. xone men kə zən rəʔisə bobun ... / har xone men kə zən rəʔisə ...

برگردان: در خانه‌ای که زن رئیس باشد ... / در هر خانه‌ای که زن رئیس است ...

(ج) زنان به مثابه موجوداتی شرور، حیله‌گر و طماع

31. məkr-ə zənan, hile jə zənan bar-ə həft xər kərdən bazəm nəmitunestən bəbərən.

برگردان: مکر زنان، حیله زنان را بار هفت خر کردند، باز هم نمی‌توانستند ببرند.

32. meli ta nokonə haʃon vaʃon nəre nudonə bə kuraʃon.

برگردان: تا سگ ماده (اشاره به زن) ابراز تمایل نکند، نر نمی‌داند باید به کدام سمت رفت (نظرش به طرف او جلب نمی‌شود).

33. zən bəlast xudaja hitʃ xonəʔi bibəla nəbaʃəd.

برگردان: زن بلاست، خدایا هیچ خانه‌ای بی‌بلا نباشد.

34. zən qəm ʔast ʔab-ə dərja bəraje zən kəm ʔast.

برگردان: زن غم است، آب دریا برای زن کم است (اشاره به زیاده‌خواهی زن).

35. ʔi zənəkə suvər-ə pəjadə kunə, pəjadəʔavarə.

برگردان: این زن سواره را پیاده می‌کند، پیاده را آواره (اشاره به زرنگی و حیله‌گری زن).

36. zən ʔagər xub be ʔimom həsən-ə vəfa gudə nabo.

برگردان: زن اگر خوب بود، به امام حسن^(ع) وفا می‌کرد.

37. ʔu pirzənəkə je ʔadʒuzəʔi hisə.

برگردان: این پیرزنه یه عجززه‌ای هست.

38. nənə nəjəse perzən-ə həmrə ba satən.

برگردان: وقتی مادر نیست باید با زن‌بابا کنار آمد.

(د) دشمنی و حسادت بین زنان

39. ʔavise ʔavise xun je tʃal ʃun amməʃubərarzən ʃubərarzən-ə xun
je tʃal noʃun.

برگردان: خون دو تا هُو توی یه گودال می‌رود؛ اما خون دو تا جاری توی یه گودال نمی‌رود (آب
دو تا هُو توی یک جوی می‌رود؛ اما آب دو تا جاری توی یک جو نمی‌ره).

40. ʔarus dʒəhaz nədarə təqsir-əʃumar darə.

برگردان: عروس جهیزیه ندارد، تقصیر مادرشوهر است (اشاره به اینکه فردی اشتباهاتش را
به گردن دیگران می‌اندازد).

41. ʃumar kultaru həm bobun xo kar-ə kunə.

برگردان: مادرشوهر جاروی روی کول هم که باشد (ناتوان باشد)، کار خود را می‌کند.

42. ʔujəʃumar tʃiʃm bəneʔ

برگردان: اونجا (وقتی گلکاری جایی از دیوار ایراد دارد) را برای چشم مادرشوهر
گذاشتی؟

این مثل را در توصیف کاری می‌گویند که عروس درست انجام نداده است و ممکن
است انتقاد مادرشوهر را برانگیزد.

43. ʃəns bəjardim tu ʃumar/ ʃuxəxur nəbe.

برگردان: شانس آوردیم تو خواهرشوهر یا مادرشوهر نشدی.

(ه) زنان به مثابه موجوداتی ضعیف، آسیب‌پذیر و شکننده

44. xudəja hitʃ zəni bədar bisərpəna nobun.

برگردان: خدایا نگذار هیچ زنی بدون سرپناه (اشاره به شوهر) باشد.

45. bar-ə ba təng bədarə zən-ə ba mərd bədarə.

برگردان: بار را باید تنگ (طنابی که با آن بار را می‌بندند) نگه دارد، زن را مرد.

46. zən-ə ba mərd bədarəʔtəʃ-ə gərd.

برگردان: زن را باید مرد نگه دارد، آتش را خاکستر.

47. dah tə laku darəʔunər sədəqə vadʒibə.

برگردان: ده تا دختر دارد به او صدقه می‌رسد.

48. zənakən-ə moson kar nokon.

برگردان: مثل زن‌ها کار نکن.

49. dətər-ə vətʃə de.

برگردان: فرزند دختر است دیگر (انتظار کار سنگین را نباید از دختر داشت).

(و) تأکید دیدگاه جامعه درباره ناکامی و بی کفایتی زنان

50. ʔarus gavduʃ nobu gut ʃuper-əsər-ə dʒir dʒor darə.

برگردان: عروس نمی توانست گاؤ بدوشد، می گفت طویلۀ پدرشوهر بالا و پایین دارد (ناهموار است).

51. zən-ə kətʃəl-ə bogotən ti sər-ə boʃurdi? bogut dutə həm bogudəm.

برگردان: به زن کچل گفتند سرت را شستی؟ گفت: حتی دو تا گیس هم بافته ام. اشاره به کسی که به ضعف خود اقرار نمی کند و حتی از آن به عنوان نقطه قوت خود یاد می کند.

52. kenə du tə bobun xak ta zone.

برگردان: کدبانو که دو تا باشد خاک تا زانو است.

53. bəhar-ə həva laku midʒaz-ə.

برگردان: هوای بهار مثل مزاج دخترهاست (متغیر است).

(ز) به تصویر کشیدن ظاهر فیزیکی نامناسب و بدقیافه بودن زنان

54. ʔinəxudi dʒənd-ə peri.

برگردان: انگار جن است (به زن بدقیافه گفته می شود).

55. zən ʔagər xub be je tə tʃepir kəm nobonabo.

برگردان: زن اگر خوب بود استخوان فکش کم نبود (زن ناقص الخلقه است).

56. xejli kyn-ə xubi dari hələ sanə tumon həm dogudi?

برگردان: خیلی باسن خوبی داری، دامن اعلا هم پوشیدی؟ به کسی گفته می شود که کار خوبی انجام نداده است؛ اما به آن افتخار می کند و انتظار تمجید هم دارد.

(ح) درگیر بودن زنان در مسائل پیش پا افتاده، غیرمنطقی و ابلهانه از قبیل پرحرفی

57. məgər zənakon tas-ə hamom gom ʔagudən?

برگردان: مگر زن ها تاس حموم گم کرده اند؟ در توصیف موقعیتی شلوغ و پرسرو صدا گفته می شود.

58. zənənə mətʃə.

برگردان: به مردی گفته می شود که ویژگی های رفتاری زنانه مانند خاله زنگی دارد.

بازنمایی زنان در ضرب‌المثل‌های گیلکی _____ منصور شعبانی و همکار

59. zənakon/ pirzənakon-ə moson həmetʃi dʒi xanə sər dər bəjarə.

برگردان: مثل زن‌ها/ پیرزن‌ها می‌خواهد از همه چیز سر در بیاورد.

60. zənakon ʔadəm-ə məqz-ə xorən.

برگردان: زن‌ها مغز آدم را می‌خورند (اشاره به پرحرفی زنان).

61. zənənə gəv nəzən.

برگردان: حرف زنانه زن.

62. pirzənakon-ə moson myr myr nokon.

برگردان: مثل پیرزن‌ها غرغر نکن.

63. mari kə xo ləku dʒi tarif bokunə bə dərđ-ə xəldʒini pəsər xorə.

برگردان: دختری که مادرش از او تعریف کند، به درد پسرخاله‌اش می‌خورد.

ط) بی‌اهمیت جلوه‌دادن زنان و هم‌تراز کردن آنان با اشیا و مادیات

64. məʃələ ti ʃi bu xufʔadən ʔame ʃi nobu?

برگردان: خاله مال تو بود بوسیدنش هم مال ما نبود؟ (حتی خیر کوچکی از چیزی که داری نباید به ما می‌رسید؟).

65. məʃələ kyn neəsəng neəba torəzu.

برگردان: باسن خاله هست و سنگ هست و ترازو (همه‌چیز برای شروع کار مهیاست).

ی) زنان به مثابه موجوداتی بی‌ارزش و ناقص

66. nəməz-ə sub subhanella nədarəd zən-ə bivə mobarəkbad nədarəd.

برگردان: نماز صبح سبحان‌الله ندارد، زن بیوه مبارک‌باد ندارد.

67. fələnkəse de konə tazəʔadət bogode.

برگردان: فلان‌کس دیگه به کهنه و تازه (اشاره به زن) عادت کرده است.

68. je tə mərđ-ə rə həft tə zən vadʒib-ə.

برگردان: برای یک مرد هفت تا زن واجب است.

69. zən ʔagər xub be je tə tʃepir kəm nobonabo.

برگردان: زن اگر خوب بود استخوان فکش کم نبود (زن ناقص‌الخلقه است).

70. xejli kyn-ə xubi dari hələ sanə tumon həm dogudi.

برگردان: خیلی باسن خوبی داری دامن اعلا هم پوشیدی؟ (به کسی گفته می‌شود که کار خوبی انجام نداده است، اما به آن افتخار می‌کند و انتظار تمجید هم دارد).

71. ʔarus-ə mynkutul bobə.

برگردان: مثل عروسی شده است که وسط مجلس عروسی ول می‌گردد (اشاره به آدمی که جلو دست و پا را می‌گیرد).

72. bivəzəne-k-əm runəma?

برگردان: زن بیوه هم رونما؟

ک) استعاره‌های مبتنی بر نام حیوانات در توصیف زنان

در زبان گیلکی نام دو حیوان (سگ ماده و اسب ماده) منحصرأً برای زنان به کار می‌رود و کاربرد هر دوی آن‌ها به صورت اصطلاحات توهینی است. درجه توهین ویژگی‌هایی که به زنان نسبت داده می‌شود به مراتب بالاتر از ویژگی‌هایی است که از طریق نام دیگر حیوانات منحصرأً به مردان نسبت داده می‌شود.

73. maden-ə monə.

برگردان: مثل اسب ماده است.

74. mele monə.

برگردان: مثل سگ ماده است.

ویژگی‌های نسبت داده شده به زنان از طریق نام این دو حیوان با وجود اندکی تفاوت تقریباً یکسان است. مَدَن (اسب ماده) در توصیف زنی به کار می‌رود که بی‌عفت است و مَلِی (سگ ماده) هم در توصیف زنی به کار می‌رود که بددهن یا بدکاره است.

۵. تحلیل

توصیف داده‌ها در بخش پیشین نشان می‌دهد که سه نوع تصویر یا بازنمایی (منفی، مثبت و خنثی) از زنان در ضرب‌المثل‌های گیلکی وجود دارد. گفتنی است از هجده مقولۀ معنایی، چهار مقولۀ تصویری مثبت، سه مقولۀ تصویری خنثی و یازده مقولۀ تصویری منفی از زنان ارائه شده است (اعداد داخل پرانتز فراوانی مثل‌ها را در هر مقولۀ نشان می‌دهد):

الف) بازنمایی مثبت زنان در مثل‌ها: ارزش و منزلت زنان (۸)؛ ارجحیت فرزند دختر بر پسر (۲)؛ زیبایی و جذابیت زنان (۲)؛ نقش عاطفی و حمایتی زنان (۷). نوزده

بازنمایی زنان در ضرب‌المثل‌های گیلکی _____ منصور شعبانی و همکار

ضرب‌المثل که ۲۵/۶۷٪ از ضرب‌المثل‌های گیلکی درباره زنان را تشکیل می‌دهد، به بازنمایی مثبت زنان اختصاص دارد.

(ب) **بازنمایی خنثی زنان در مثل‌ها:** تأکید بر جدایی قلمرو زیستی و اجتماعی زنان و مردان (۲)؛ اهمیت ازدواج برای زنان (۱)؛ قدرت تأثیر زن بر دیگر اعضای خانواده (۳). شش ضرب‌المثل که ۸/۱۰٪ از مثل‌های گیلکی درباره زنان را تشکیل می‌دهد به بازنمایی خنثی زنان اختصاص دارد. برای مثال می‌توان به ضرب‌المثل شماره ۲۱ اشاره کرد که در زیر تکرار شده است:

75. laku laku dʒa vətʃə vətʃə dʒa, laku buxorə kərk-ə səbədʒ-ə
vətʃə buxorə bazar-ə kiʃmiʃ-ə.

برگردان: دختر باید در جای دخترها باشد، پسر هم در جای پسرها. دختر بخوره شبش مرغ پسر کشمش بازار رو.

این مثل مرز بین زن و مرد بودن را بدون در بر داشتن بار عاطفی خاصی نشان می‌دهد و از این رو، به عنوان گونه‌ای خنثی در نظر گرفته می‌شود.

(ج) **بازنمایی منفی زنان در ضرب‌المثل‌ها:** گره‌زدن ارزش زن با مسائل مادی (۳)؛ ترغیب مردان به کنترل کردن و تسلط داشتن بر زنان (۲)؛ زنان به مثابه موجوداتی شرور، حيله‌گر و طماع (۸)؛ دشمنی و حسادت بین زنان (۵)؛ زنان به مثابه موجوداتی ضعیف، آسیب‌پذیر و شکننده (۶)؛ تأکید دیدگاه جامعه درباره ناکامی و بی‌کفایتی زنان (۴)؛ به تصویر کشیدن ظاهر فیزیکی نامناسب و بدقیافه بودن زنان (۳)؛ درگیر بودن زنان در مسائل پیش‌پاافتاده، غیرمنطقی و ابلهانه همچون پرحرفی (۷)؛ بی‌اهمیت جلوه‌دادن زنان و هم‌تراز کردن آنان با اشیا و مادیات (۲)؛ زنان به مثابه موجوداتی بی‌ارزش و ناقص (۷)؛ استعاره‌های مبتنی بر نام حیوانات در توصیف زنان (۲). ۴۹ ضرب‌المثل که ۶۶/۲۱٪ از مثل‌های گیلکی درباره زنان را تشکیل می‌دهد، به بازنمایی منفی زنان می‌پردازد.

نتایج این تحقیق با نتایج پژوهش‌های انجام‌شده بر روی ضرب‌المثل‌های زنانه دیگر زبان‌ها از جمله زبان‌های ژاپنی (استورم، ۱۹۹۲)، ایگبویی (اوها، ۱۹۹۸)، عربی مراکشی و بربر (اناجی، ۲۰۰۸)، حبشی، سوندایی و کنیایی (حسین، ۲۰۰۹)، سینهالی و فرانسوی (جایاواردنا، ۲۰۱۴)، چینی (لی، ۲۰۱۵)، زبان‌های آفریقایی (حسین، ۲۰۰۵)، مراکشی (بلفاتمی،

۲۰۱۳)، اکان (دیاباح و آمفو، ۲۰۱۴)، انگلیسی و یوروب (یوسف، ۱۹۹۸) و غیره همسو است. همه این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که در بیشتر مثل‌ها نگرش منفی نسبت به زنان وجود دارد و تعداد مثل‌هایی که در آن‌ها ویژگی‌های مثبت و خشنای زنان بازنمایی شده است، بسیار اندک هستند.

همان‌گونه که بیان شد، متخصصان رشته‌های مردم‌شناسی، زبان‌شناسی اجتماعی، تجزیه و تحلیل گفتمان و مطالعات فمینیستی تاکنون مطالعات متعددی انجام داده‌اند (نک: لیکاف^{۲۸}، ۱۹۷۳؛ اسپندر^{۲۹}، ۱۹۸۰؛ تانن^{۳۰}، ۱۹۹۰؛ گودارد و پترسون^{۳۱}، ۲۰۰۰؛ اسپیر^{۳۲}، ۲۰۰۵، ۲۰۰۲). همگی این پژوهش‌ها حکایت از آن دارد که زنان و مردان زبان را به گونه‌های متفاوتی به کار می‌برند. این تفاوت‌ها را تقریباً در تمام حوزه‌های زبانی می‌توان مشاهده کرد؛ اما در حوزه واژگان و اصطلاحات بیشتر مشاهده می‌شوند. به عقیده اسپیر (۲۰۰۵: ۲۰)، عقاید عامه در رابطه با سبک کلامی مردانه و زنانه، ریشه محکمی دارد و تا حد زیادی جایگاه اجتماعی زنان و مردان را تعیین می‌کند. در پژوهش حاضر نیز به تبعیت از لازار^{۳۳} (۲۰۰۷)، از رویکردهای تجزیه و تحلیل انتقادی و مطالعات فمینیستی استفاده می‌شود تا بتوان روابط پیچیده قدرت و ایدئولوژی را که به دلیل نوع نگرش گویشوران در رابطه با جنسیت امری کاملاً بدیهی در نظر گرفته می‌شود، به بحث و چالش کشید و بدین وسیله روابط میان زن و مرد را بر اساس تفکرات این گویشوران به روشنی نشان داد. به همین منظور، در پژوهش حاضر، شماری از ضرب‌المثل‌های زنانه جامعه گیلکی زبان منطقه اشکورات در قالب تجزیه و تحلیل گفتمان انتقادی فمینیستی جمع‌آوری و تحلیل شدند.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد از سه نوع بازنمایی که از تحلیل ضرب‌المثل‌های زبان گیلکی منطقه اشکورات به دست آمد، در ۶۶/۲۱٪ آن‌ها، زن چهره‌ای منفی در نظر گرفته می‌شود. به عقیده اسپندر (۱۹۸۰: ۲۰)، معنا در بافت اجتماعی ساخته می‌شود که زبان نیز جزئی از آن است. وی معتقد است نگرش منفی نسبت به زنان به دلیل نوع کلماتی نیست که زنان به کار می‌برند، بلکه به این دلیل است که زنان در فضای معنایی منفی قرار دارند. بسیاری از عقاید رایج درباره زنان و مردان بر این باور استوار شده است که بسیاری از اصطلاحات و ضرب‌المثل‌هایی که در رابطه با زنان و مردان به کار

بازنمایی زنان در ضرب‌المثل‌های گیلکی _____ منصور شعبانی و همکار

برده می‌شود و آن‌ها را در فضای مثبت و یا منفی قرار می‌دهد، نتیجه مستقیم تفاوت‌های بیولوژیکی میان دو جنسیت مؤنث و مذکر است؛ اما مطالعات اخیر درباره رابطه میان زبان، جنسیت و قدرت (برای مثال: لازار، ۲۰۰۷) ثابت کرده است که جنسیت به‌عنوان یک طبقه اجتماعی با دیگر طبقات هویت اجتماعی مانند قومیت، سن، موقعیت اجتماعی، توانایی و یا عدم توانایی و حتی مکان جغرافیایی ارتباط تنگاتنگی دارد و همه این عوامل در کنار یکدیگر جایگاه اجتماعی و روابط قدرتی را تعریف می‌کنند.

از میان ۴۹ ضرب‌المثلی که بازنمایی منفی از زن ارائه می‌دهد، بیشترین موارد به ضرب‌المثل‌هایی اختصاص دارد که زنان را به‌مثابه موجوداتی شرور، حيله‌گر و طماع معرفی می‌کند. نکته قابل تأملی که در این مثل‌ها وجود دارد، این است که در فرهنگ ایرانی و همچنین بسیاری از فرهنگ‌های اروپایی، زنان موجوداتی هستند که می‌توانند نیروهای شیطانی، سیاهی، و بیماری را کنترل کنند (گروشکو و مدودف^{۳۴}، ۲۰۰۳: ۹۷). به همین دلیل در بیشتر این فرهنگ‌ها زن واسطه‌ای بین خدایان باستانی و همسر یا مردان دیگر است. این نکته می‌تواند توجیه مناسبی برای نسبت‌دادن شرارت، حيله‌گری و جادو به زنان باشد. احتمال دارد این مثل‌ها از طریق مبادلات فرهنگی و یا ترجمه وارد زبان گیلکی شده باشد. برای مثال، ضرب‌المثل شماره ۳۱ که در زیر تکرار شده است، با بار معنایی کاملاً منفی برای اشاره به حيله‌گری و شرارت زنان در منطقه اشکورات به‌کار برده می‌شود.

76. məkr-ə zənan, hile jə zənan bar-ə həft xə r kərdən bazəm
nəmitunestən bəbərən.

برگردان: مکر زنان، حيله زنان را بار هفت خر کردند، باز هم نمی‌توانستند ببرند.
همچنین، در شماری از این مثل‌ها زنان موجوداتی بی‌ارزش و ناقص معرفی شدند که درگیر مسائل پیش‌پاافتاده، غیرمنطقی و ابلهانه از قبیل پرحرفی هستند. برای مثال مثل شماره ۶۰ که در زیر تکرار شده، از این جمله است:

77. zənakon ?adəm-ə məqz-ə xərən.

برگردان: زن‌ها مغز آدم را می‌خورند.
این مثل برای اشاره به پرحرفی زنان با بار معنایی کاملاً منفی به‌کار برده می‌شود. بسیاری از فمینیست‌ها (برای مثال، سلرز^{۳۵}، ۱۹۹۱) معتقدند که زبان‌ها به‌گونه‌ای رشد

کرده‌اند که پاسخ‌گوی نیاز مردان هستند و وقتی نوبت به زنان می‌رسد، به سبب نقصان واژگان مناسب، مجبور می‌شوند مطالب را بیشتر توضیح دهند که از دید مردان به صورتی تقریباً جهانی پرحرف در نظر گرفته می‌شوند.

نکته قابل تأمل این است که بر اساس گفته لازار (۲۰۰۵: ۱۴۶)، در تمام جوامع مفهوم جنسیت ساختاری ایدئولوژیک دارد که بر اساس رابطه سلسله‌مراتبی برتری و فرودستی، مردم به دو طبقه اجتماعی تقسیم می‌شوند که مردان در طبقه اجتماعی برتر و زنان در طبقه اجتماعی پایین‌تر قرار دارند و مواد آن در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت فرق می‌کند. جامعه گیلکی زبان اشکورات از این قاعده مستثنی نیست. نتایج این تحقیق نظم اجتماعی مردسالارانه‌ای را در جامعه اشکورات نشان می‌دهد که در آن روابط قدرتی به مردان به عنوان اعضای یک گروه اجتماعی برتری می‌دهد و زنان را به عنوان اعضای گروه اجتماعی دیگری تقریباً نادیده و بدون مزیت خاصی در نظر می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

در این مقاله، ضرب‌المثل‌های گیلکی درباره زنان از نظر معنایی به هجده مقوله تقسیم‌بندی شدند. این مقوله‌ها نشان می‌دهند که سه نوع تصویر یا بازنمایی از زنان در مثل‌ها وجود دارد که به ترتیب فراوانی عبارت‌اند از: الف) بازنمایی منفی، ب) بازنمایی مثبت، ج) بازنمایی خنثی. توزیع این بازنمایی‌ها در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی و مطالعات فمینیستی تحلیل شد تا بتوان درک عمیق‌تری از کارکردهای پیچیده قدرت و ایدئولوژی را در گفتمان و روابط اجتماعی جامعه گیلکی زبان منطقه اشکورات که بر اساس جنسیت شکل گرفته‌اند، نشان داد. تحلیل صورت گرفته نشان می‌دهد که در جامعه گیلکی زبان منطقه اشکورات مفهوم جنسیت ساختاری ایدئولوژیک دارد. بر اساس رابطه سلسله‌مراتبی برتری و فرودستی، طبقه اجتماعی زنان فرودست شمرده می‌شود و زنان به عنوان اعضای یک طبقه اجتماعی فرودست اغلب نادیده و بدون مزیت خاصی در نظر گرفته می‌شوند. این نتایج تا حدی یافته‌های موحد و همکاران (۱۳۹۱)، مبنی بر مردسالارانه بودن بسیاری از جوامع سستی ایران را تأیید می‌کند. همچنین، به نظر می‌رسد که محمدپور و همکاران (۱۳۹۱) نیز با تحلیل موضوعی

بازنمایی زنان در ضرب‌المثل‌های گیلکی _____ منصور شعبانی و همکار

داده‌های خود به نتایجی رسیده‌اند، ازجمله اینکه زن به‌مثابهٔ سوژه‌ای غیرعقلانی، فرودست و البته توانمند و شخصیتی معماگونه است که با نتایج تحقیق حاضر مشابهت فراوانی دارد.

در هر صورت نباید این نکته را فراموش کرد که احتمال بسیار زیادی وجود دارد که تعدادی از ضرب‌المثل‌های نقل‌شده در این پژوهش ماهیتی عام داشته باشند که دلیل آن را می‌توان به این حقیقت پیوند داد. همان‌گونه که ذوالفقاری معتقد است گاه از یک مثل با تغییر واژگان ده‌ها شکل دیگری دیده می‌شود. تغییر کلیدواژه‌ها به تغییر اقلیم، شرایط فرهنگی و جغرافیایی مسائل زبانی و اجتماعی و بسیاری عوامل دیگر بستگی دارد.

ضرب‌المثل‌ها ازجمله مواد زبانی هستند که سبب غنای هر زبان می‌شوند؛ اما باید به این نکته نیز توجه کرد که ارتباط میان جنسیت و زبان همیشه در حال تغییر است و بیشتر پاسخ‌گوی شیوه‌های فکری است که روابط جنسیتی را تعیین می‌کند. بنابراین انجام تحقیق مشابه در مکان‌ها و یا زمان‌های دیگر احتمالاً نتایج دیگری را در پی خواهد داشت.

پی‌نوشت‌ها

1. Ennaji
2. Jayawardena
3. storm
4. Igbo
5. Oha
6. Moroccan Arabic
7. Berber
8. Ethiopian
9. Sundanese
10. Kenyan
11. Sinhalese
12. Lee
13. Malay
14. Hamdan and Radzi
15. Braun
16. Kirilina
17. Doleschal and Schmid
18. Belfatmi

19. Akan
20. Diabah and Amfo
21. Yoruba
22. Schipper

۲۳. تعداد اندکی از ضرب‌المثل‌ها مانند همین ضرب‌المثل به زبان فارسی رایج هستند، البته با لهجه گیلکی به کار برده می‌شوند.

۲۴. نوعی سکه طلا

۲۵. این واژه در گیلکی معنای مثبت را القا می‌کند.

۲۶. معمولاً کسی که زنش فوت می‌کرد با خواهرزنش ازدواج می‌کرد و این امر پشتوانه‌ای برای او شمرده می‌شد. داشتن خواهرزن خوش‌شانسی و نداشتن آن بدشانسی است.

۲۷. بالعکس این هم رایج است.

28. Lakoff
29. Spender
30. Tannen
31. Goddard & Patterson
32. Speer
33. Lazar
34. Grushko & Medvedev
35. Sellers

منابع

- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲). *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*. ج اول. تهران: سمت.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۸). «بررسی ضرب‌المثل‌های فارسی در دو سطح واژگانی و نحوی». *فنون ادبی*. س ۱. ش ۱. صص ۵۷-۸۰.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۴). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- محمدپور، احمد و دیگران (۱۳۹۱). «مطالعه تفسیری بازنمایی زن در ضرب‌المثل‌های کردی (مورد مطالعه: گویش سورانی- مکیانی)». *زن در فرهنگ و هنر*. دوره ۴. ش ۳. صص ۶۵-۸۳.
- موحد، محمد و دیگران (۱۳۹۱). «تحلیلی جامعه‌شناختی از ضرب‌المثل‌های زنانه در شهرستان لامرد استان فارس». *زن در فرهنگ و هنر*. س ۴. ش ۲. صص ۱۰۵-۱۲۴.
- Baker, Paul (2011). "Discourse and Gender". ed. Ken Hyland and Paltridge Brian. *The Continuum Companion to Discourse Analysis*. London: Continuum.

- Belfatmi, M. (2013). "The Representation of Women in Moroccan Proverbs". *IOSR Journal Of Humanities And Social Science*. vol. XVIII. Issue 1. pp. 15-21.
- Braun, F. (2001). "The Communication of Gender in Turkish". *Gender Across Languages*. eds. M. Hellinger & H. Bussmann. Vol. I. pp. 283-310. John Benjamins Publishing Company, Amsterdam/Philadelphia.
- Cornwall, A. & N. Lindisfarne (1995). "Feminist Anthropologies and Questions of Masculinity". *The Future of Anthropology: Its Relevance to the Contemporary World*. eds. A. Ahmed & C. Shore. pp. 134-157. London & Atlantic Highlands: The Athlone Press.
- Diabah, G. & N. A. A. Amfo (2014). "Caring Supporters or Daring Usurpers? Representation of Women in Akan Proverbs". *Discourse & Society*. vol. XXVI (1). pp. 3-28.
- Doleschal, U. & S. Schmid (2001). "Doing Gender in Russian". *Gender Across Languages*. eds. M. Hellinger & H. Bussmann. vol. I. pp. 253-282. John Benjamins Publishing Company, Amsterdam/Philadelphia.
- Ennaji, M. (2008). "Representations of Women in Moroccan Arabic and Berber Proverbs". *International Journal of the Sociology of Language*. no.190. pp. 167-181. doi: 10.1515/IJSL.2008.017.
- Goddard, A. & L.M. Patterson (2000). *Language and Gender*. London: Routledge.
- Grushko, E. A. & Y. M. Medvedev (2003). *Myths and Legends of Old Russia*. Moscow: Eksmo.
- Hamdan, R. & S. Radzi (2014). "Gender Perspective in Malay Proverbs". *Middle-East Journal of Scientific Research*. no. 22 (1). pp. 99-106.
- Hussein, J. W. (2005). "The Social and Ethno- cultural Construction of Masculinity and Femininity in African proverbs". *African Study Monographs*. No. XXVI(II). pp. 59-87.
- ----- (2009). "A Discursive Representation of Women in Sampleproverbs from Ethiopia, Sudan, and Kenya". *Research in AfricanLiteratures*. no. 40(3). pp. 96-108.
- Jayawardena, H.S.M.M. (2014). "Representation of Women in Sinhala and French Proverbs". *Proceedings of the Peradeniya University. International Research Sessions*. Sri Lanka. vol. XVIII.
- Kirilina, Alla V. (1999). "Russkie poslovice i pogovorki: ne tol'ko androcentrism". [Russian proverbs and idioms: not only androcentrism]. *Vestnik Tambovskogo Universiteta. Serija Gumanitarnye Nauki* 1999. no. 2. pp. 41-47.
- Lakoff, R. (1977). "Language and Woman's Place". *Language in Society*. no. 2:1. pp. 45-79.
- Lazar, Michell M. (2005). *Feminist Critical Discourse Analysis: Gender, Power and Ideology in Discourse*. New York: Palgrave MacMillan.
- ----- (2007). "Feminist Critical Discourse Analysis: Articulating a Feminist Discourse Praxis". *Critical Discourse Studies*. no. 4:2. pp. 141- 164.

- Lee, J. (2015). "Chinese Proverbs: How Are Women and Men Represented?". *Multidisciplinary Journal of Gender Studies*. no. 4 (1). pp. 559- 585. doi: 10.4471/generous. 2015. 47.
- Oha, O. (1998). "The Semantics of Female Devaluation in Igbo Proverbs". *African Study Monographs*. no. 19(2). pp. 87-102.
- Schipper, M. (2010). *Never Marry a Woman with Big Feet: Women in Proverbs from Around the World*. Leiden university press.
- Sellers, S. (1991). *Language and Sexual Difference: Feminist Writing in France*. London: Macmillan.
- Speer, S. A. (2005). *Gender talk: Feminism, Discourse and Conversational Analysis*. London: Routledge.
- ----- (2002). "Sexist Talk: Gender Categories, Participants' Orientations and Irony". *Journal of Sociolinguistics*.no. 6(3). pp. 347-377.
- Spender, D. (1980). *Man Made Language*. London: Routledge.
- Storm, H. (1992). Women in Japanese Proverbs. *Asian Folklore Studies*. no.51. pp.167-182.
- Tannen, D. (1990). *You Just Don't Understand! Women and Men in Conversation*. London: Virago.
- Yusuf, Yisa K. (1998). "Gender Bias and Images of Women in English and Yoruba Proverbs". *Gender Perceptions and Development in Africa*. Lagos. ed. M. M. E. Kolawole. pp. 63-81. Aarobon Academic Publishing.